



مریم دهقان
مدیر فرهنگی

زیستن به سبک حضرت زینب (س)

سه دختر که سلوارهای ورزشی رنگی به پا داشتند در هوای سرد پاییزی داشتند به آرامی از کنار حوض جمهوری عبور می کردند. وظیفه من خدمت در کنار حوض بود و مراقبت برای وضو نگرفتن خانم‌ها و البته حجاب، ولی حیقم آمد از کنار این سه نفر به راحتی بگذردم. من یک سر حوض ایستاده بودم و آن‌ها آن سر حوض در حال قدم زدن. سرعت راه رفتنم را چند برابر کردم و با صدایی نه چندان بلند که جلب توجه خاصی نکند گفتم: «عذر می خواهم خانم‌های محترم. می شود موهای قشنگتان را هم ببوشانید؟» دو نفری که مورد خطاب من بودند با صدایی شکوه دار گفتند: «گفتم خدایا چه شده! برای همین یک ذره؟!»

ادامه ماجرا هر چه بود و پیش آمد مهم نیست و البته مثل همیشه به خوبی تمام شد اما این گفت و گو بهانه‌ای است برای اینکه به همه دخترهای مسلمان، به همه میهمانان این ستون، به همه کسانی که دوستشان دارم بگویم: آری، همین یک ذره و چند لاج مویمان مهم است زیرا نشانه هویت ماست. نشانه شخصیت ماست. نشانه دینت ماست. نشانه ابهت و صیانت ماست. نشانه دفاع از همه کسانی است که برای دفاع از حرمت همین چند لاج مو و حرمت ناموس وطن جانیشان را فدا کردند و حالا شده اند جزئی از تاریخ ما امروز به راحتی بتوانیم ارزشی به نام حجاب را مال خود کنیم و البته افتخار.

مناسبت این روزها بی ارتباط با این چند لاج مونیست. مهم ترین اصلی که باعث شد امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) و یارانش در صحرای کربلا میان هجوم لشکر شیطان قرار بگیرند، امر به معروف و نهی از منکر است. ایشان با اینکه می دانستند جانیشان را از دست می دهند، به سمت آنچه باید حرکت کردند و حالا خیال راحت و آسودگی ما به این قیام برمی گردد زیرا اگر این قیام صورت نمی گرفت و این همه خون که حتی از طفل شش ماهه‌ای هم نگذشتند، معلوم نبود چه بر سر اسلام می آید.

حجاب ما جوابی است به این خون‌ها. جوابی است به شأن و هویت انسانی و اجتماعی مان. حتی اگر از جنبه دینی بگذریم، این چند لاج باز هم ارزشمند است زیرا موجب می شود نگاه نامحرمان و گرگ‌های زمانه اصلاح شود و به زن با چشم عفت نگاه کنند. هر چه از ارزش انسانی برای مردان بگوییم، غیر از عده‌ای خاص و شاید انگشت شمار، از این چند لاج سوء استفاده می کنند و به زن با چشم غریزی می نگرند. زن اگر بخواهد خودش را در میان هجوم چشم‌ها و دل‌های مریض و هرزه حفظ کند، به یک سلاح پیشرفته نیاز دارد. به یک گوهر اصیل نیاز دارد و این گوهر و سلاح با پیشرفته ترین حالتش، همان حجابی است که این روزها برخی‌ها از اسمش بیزارند. همین برخی‌ها با اینکه می دانند این سلاح را باید داشته باشند و همیشه همراهشان باشد، آن را در پوستوی فکر و دلشان پنهان کرده اند و دارد خاک می خورد. البته دلم به حال این دسته نمی سوزد. دلم از این می گیرد که عده‌ای آن قدر پاک و زلال اند که تنها یک اشارت برایشان کافی است اما این وسط کم کاری صورت می گیرد و تبلیغات بی دینی و بی حیایی دشمن است که به جای دین و حیا در خانه‌هایشان نفوذ کرده است.

نمی دانم از خودم و امثال خودم بنالیم یا از دستگاه‌های مثلاً فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و... یا صنعت غربی‌مان که تنها به فکر سود شخصی است یا رسانه‌های جمعی که بت‌های متحرک ساخته اند و به اسم هنرمند به ما دارند غالب می کنند یا تبلیغاتی که جز تجمل گرایی هدفی ندارند. این روزها بی اخلاقی را هم متأسفانه باید اضافه کرد یا برخی پدرها و مادرهایی که به فکر همه چیز هستند به جز تربیت درست و دینی.

به قول شهید مطهری (ره) وقتی امر به معروف در جامعه‌ای بمیرد، آن جامعه رشد نخواهد کرد. امر به معروف که نباشد، جامعه بی روح است. جامعه‌ای هم که روح نداشته باشد، باید منتظر فنای خودش باشد.

این را هم نادیده بگیریم، ما که مسلمانیم، دست کم از خون‌های ریخته در کربلا خجالت بکشیم.

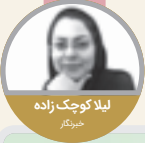
آن دنیا می خواهیم چه جوابی به امام حسین (ع) و سر بریده اش بدهیم؟



حسین (ع) کیست

که همه برای او اشک می ریزند؟

زهرآگنزالس چهار دهه پیش مسلمان شد و به مشهد آمد



لیلا کوچک زاده
خبرنگار



۳۷ سال از زمانی که به کسوت مسلمانی درآمده گذشته است، دختر نوجوان آمریکایی که مذهب کاتولیک را کنار گذاشت و با وجود خانواده‌ای سخت گیر و متعصب، هم نشین آیین اسلام شد. اکنون بیست سال است زهرآگنزالس مقیم کشور ما و مقیم آستان امام مهربانی‌ها در مشهد است.

او در دوازده سالگی مسلمان شد، در شرایط سختی که خانواده‌ای سنتی، مذهبی و متعصب داشت اما راهنمایی و هدایت مادرش به اسلام باعث شد به این سمت بیاید. خودش از مهربانی مادر در دین اسلام مکرر یاد می کند و هم چنین روزی که برای اولین بار در مراسم عزاداری امام حسین (ع) حاضر شده است. می گوید: «فتمین جایی که می گفتند حسینیه شیعیان است. در آنجا همه در حال سینه زدن و نوحه خوانی به زبان عربی و فارسی بودند و با سوز خاصی کلمه «حسین» را می گفتند و اشک می ریختند. وقتی با این صحنه روبه رو شدیم، خیلی تحت تأثیر قرار گرفتیم با اینکه ما آمریکایی‌ها زیاد احساساتی نیستیم و ابراز احساسات نمی کنیم. در واقع، این فرهنگ را خود آمریکایی‌ها تزریق می کردند که هیچ چیز در دنیا ارزش آن را ندارد که خود را برای آن اذیت کنید یا جانتان را بدهید و حس ایثار و فداکاری اصلا در آنجا معنی ندارد! در درون آدم‌ها این حس را خفه کرده اند! این در حالی است که وقتی با این صحنه روبه رو شدیم، بی اختیار در درونمان حسی ایجاد شد که اصلا توصیف کردنی نیست، یک حالت روحانی که تا آن زمان آن را درک نکرده بودیم. این سؤالات هم در ذهنمان ایجاد شد که حسین (ع) کیست که همه برای او گریه می کنند. مگر با او چه کردند؟ ما در این مراسم با خانمی آشنا شدیم و خیلی با هم صحبت کردیم. چند ماه بعد هم با مطالعات و جست و جو، اعلام کردیم که ما شیعه هستیم.»

بانو گنزالس بعد از آشنایی با اندیشه‌های امام خمینی (ع) در سال‌هایی که در مشهد زندگی می کرد، تلاش‌های بی شماری در راستای آشنایی دیگر افراد با گرایش‌های مختلف برای ترویج اسلام انجام داد و معتقد است قرآن و اهل بیت (ع) مسیر را برای هر کسی که بخواهد برای خدا کاری کند باز خواهند کرد. «قرآن همان اول به پیامبر (ص) می گوید «إقرأ»، یعنی بخوان! من مطمئنم هر کسی چه مسلمان چه غیرمسلمان اهل مطالعه باشد و به دنبال دین واقعی، قطعاً به اسلام می رسد. به همان جمله حضرت زینب (س) که گفت: «جز زیبایی چیزی ندیدم!» نمی گویم خدا ما را آزمایش نمی کند. چطور می شود ما را آزمایش نکند و به بلا یا دچار نسازد در حالی که حضرت زهرآ (س) را که بهترین زنان عالم است، آزمایش کرد. چقدر مشکلات داشتند و چقدر سختی و درد کشیدند. پس زندگی بدون خطر و مشکلات نمی شود، ولی آن کسی راه نجات را می یابد و در این آشفتگی‌ها آرامش خواهد یافت و همه چیز را زیبا می بیند که به سمت اسلام واقعی برود.»

استاد انسان ساز



بتول نوقانی تنها فرزند دختر مرحوم آیت‌ا... نوقانی (از روحانیان مبارز زمان رضاخان) است. او که متولد سال ۱۳۰۹ است خوی انقلابی و روحیه مبارزه طلبی را از پدر به ارث برده است. از جمله زنانی است که در راهپیمایی‌های انقلابی حضور داشته و در کنار مرحوم طاهایی، در شکل گیری مکتب نرجس نقش داشته است. این بانوی انقلاب با فراگیری علم فقه و کلام نزد پدر و برادر خود، از مدرسان حوزه علمیه نیز هست و جلسات تفسیر قرآن و نهج البلاغه او بین اهل فن زبان زد است، جلساتی که این روزها به دلیل کمبود سن امکان برگزاری آن را ندارد و تنها جزوه‌هایی دست‌نوشته از آن وجود دارد.

شهربانو

شنبه
۱۳ مرداد ۱۴۰۱
۶ مهر ۱۴۴۴
شماره ۳۷۹

(۷)